

## پیش‌خوان

**به بهانه انتشار اثر تاریخی نقد خاطرات عباس امیرانظام**

## فرافکنی متهم!

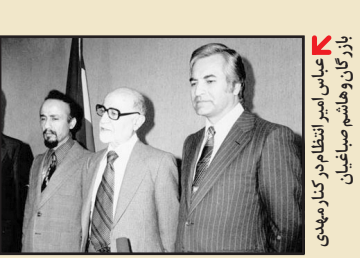
■ **اصغر جمالی‌فر**



قدرت و رسیدن به مراکز دولتی، به تلاش بهرذاتند. منافقین، فداپایان و سساواکی‌ها و هم مسلکانشان از فرصت استفاده کرده و به جمع آوری اسلحه و مهمات نظامی مشغول شدند.

متین دفتری‌ها، ابراهیم یزدی‌ها، شهریار روحانی‌ها و... به سرعت و جابه‌جا کردن اسناد جاسوسی خود با امریکا و ارتباطشان با ساواک، دست بکار شدند. عباس امیرانظام‌ها، حسن نزه‌ها،... به سرعت سرمایه‌ها و ارزهای بجا مانده در هتل‌ها و البته آن‌ها به بانک‌های خارجم با امریکا و اروپا به تکاپو مشغول شدند.

در این برهه حساس شهیدمحمد منتظری کمیته‌ای تشکیل داد و به افراد مورد اعتماد و مومن به انقلاب اسلامی، مجوز حمل سلاح و جمع آوری ادوات نظامی صادر کرد تا بتوانند اسلحه‌های به بغضا رفته را که در دست نااهلان و ضدانقلاب و گروهک‌های معاند و منافق که از یادگان‌ها بسرقت رفته بود، باز پس گیرند و به اسلحه خانه‌های نظام جمهوری اسلامی عودت دهند. محمد منتظری که در متن جریان‌ات روز بود و پیروی از رهبری امام خمینی را وظیفه خود می‌دانست، از عمق مشکلات دولت موقت آگاهی داشت، سخت نگران بود. از جمله نگرانی‌های آن شهید، انتصاب و گماردن افرادی چون حسن نزه، امیرانظام، میناجی، تیمسار مدنی، تیمسار حسین شاکر، تیمسار مصطفائی شهشانی، ابراهیم یونسی، مقدم مراغه‌ای و عناصر سزاواری و ضدانقلاب در پست‌های مهم و حساس کنشور و نرسیدن به وضع نایسبمان ارتش و ادارات، کارشنکی در کار شهیدقرفنی، خالی کردن یادگان‌ها به ویژه در مناطق مرزی، بهم



بازرگان وهشم سیاهان

زند قرار دادهای نظامی از قبیل اوآکسی‌ها،فسخ قرارداد پنج نواز زیردربانی از آلمان فروش فانتوم‌های اف ۱۴ تیول‌نگرفتن زرادخانه مستقر در عمان ازببین رفتن آن، بستن قرار داد هشت ساله خرید گندم از امریکا، ادامه روابط با امریکای جنایتکار-ارتباط و پیام تبریک به صدامحسین صهیونیست از طرف بازرگان و دعوت وی به ایران توسط ابراهیم یزدی،ارتباط بافورسات و عدم قطع روابط با دولت مصر، فراری دادن سران وابسته به رژیم شاه‌به‌مانند شاهپور بختیار، طوفانیان، بهارمست و... همکاری و همیاری در فرساری دادن جنایتکاران انگلیسی و امریکائی از مرز باز بازرگان توسط امیرانظام و ابراهیم یزدی، عدم برقراری دیپلماتیک با انقلاب فلسطین و کشور لیبی و کارشنکی در امر تأسیس سفارتخانه فلسطین بجای سفارت سابق اشااگر قدس به بهانه اراضی نیودن صاحب دولت‌موقت، شهیدمحمد را ساواکی‌ها و افراد فراری رژیم شاه و مماشات و مذاکره و گفت‌وگو با گروهک‌های مخالف، معاند و برانداز جمهوری اسلامی وده‌ها مواضع غیر اسلامی و انقلابی به عنوان کارنامه سیاسی دولت‌موقت، شهیدمحمد را آزاده ونگران کرده بود و او بنا بر تکلیف الهی، اسلامی و میهنی خود بی‌خاست. برآشفت، فریاد برآورد و صدای حق خود را بگوش مردم مسلمان ایران و جهان رسانید. دولت‌موقت بازرگان بجای اصلاح خود و ایجاد محیطی اسلامی و انقلابی در ایران شسیپور را وارونه نواختند و مجددا را در، جانی، ترور یست و نهایتاً به دروغ از قول پدرش او را دیوانه و روانی خطاب کردند و خواهان محاکمه وی توسط دادستان ضدانقلابی( شهشپانی) و شدیدترین مجازات را از دادستان در خواست کردند و هنوز هم یاران بازرگان به اتهامات شایعات، شبهات علیه شهیدمحمد منتظری ادامه می دهند.

محمدی در جنگ تحمیلی به عنوان نماینده مجلس در جلسات شورای عالی دفاع شرکت می کرد و نهایتاً در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ توسط عناصر منافق و امریکائی در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی در کنار سالار شهیدان انقلاب اسلامی ( شهیدبهبشتی) و ۲۲ تن از یاران انقلاب به فیض شهادت نائل آمد. کتاب «آن سوسی اتهام» خاطرات عباس امیرانظام است که توسط نشر نسی با اجازه و همراهی وزارت ارشاد دولت اصلاح‌طلب به چاپ ششم رسید. نقد کتاب توسط جمالی‌فر به ناشر کتاب ارسال شد.ناشر برخلاف قولی که داده بود، حاضر به چاپ آن نشده، زیرا او طرفدار نهضت آزادی و از دوستان عباس امیرانظام، یهودی نوسنی بود. هم از این روی بود که به انتشار جداگانه این نقد در قالب اثری که در معرفی آن سخن می‌رود اقدام شد. امید آنکه تاریخ پژوهان انقلاب را مفید آید.

■ **محمد رضا کائینی**

در روزهایی که بر ما گذشت، عالم ربانی و مرجع الامقام حضرت آیت‌الله العظمی سید محمد شاهرودی(قده) روی از جهان برگرفت و رهسپار ابدیت گشت. هم از این روی و در تکریم یاد و خاطره آن بزرگوار، به بازخوانی شمهای از خاطرات فرزند ارجمندش آیت‌الله سیدعبدالهادی شاهرودی از روابط و



مناسبات آن مرحوم تا حضرت آیت‌الله العظمی‌خانم‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی پرداخته‌ایم.امید آنکه تاریخ پژوهان انقلاب مفید و مقبول آید.

■■■■

■ **دیدار با رهبری در سفر سال ۷۴ به قم**

خاطراتی که آیت‌الله سید عبدالهادی شاهروی از دیدارهای آیت‌الله العظمی سید محمد شاهرودی با رهبر معظم انقلاب نقل کرده است، از آن روی که تاکنون خبر و محتوای این ملاقات‌ها انقلابی نشده، بس خواندنی و جالب توجه می‌نماید. اولین مورد از این دست دیدارها، در سال ۱۳۷۴ و پس از سفر رهبری به شهر قم انجام شده است:

«مقام معظم رهبری در سفر رسمی به قم اعلام کردند که: قم باید استان شود. این سفر بعد از رحلت آیت‌الله گلبایگانی و آیت الله اراکی بود که بعد از امام به مر جمعیت عامه رسیده بودند. پس از آن به بهانه نوبن شدن صاحب دولت‌موقت، شهیدمحمد را آزاده ونگران کرده بود و او بنا بر تکلیف الهی، اسلامی و میهنی خود بی‌خاست. برآشفت، فریاد برآورد و صدای حق خود را بگوش مردم مسلمان ایران و جهان رسانید. دولت‌موقت بازرگان بجای اصلاح خود و ایجاد محیطی اسلامی و انقلابی در ایران شسیپور را وارونه نواختند و مجددا را در، جانی، ترور یست و نهایتاً به دروغ از قول پدرش او را دیوانه و روانی خطاب کردند و خواهان محاکمه وی توسط دادستان ضدانقلابی( شهشپانی) و شدیدترین مجازات را از دادستان در خواست کردند و هنوز هم یاران بازرگان به اتهامات شایعات، شبهات علیه شهیدمحمد منتظری ادامه می دهند.

محمدی در جنگ تحمیلی به عنوان نماینده مجلس در جلسات شورای عالی دفاع شرکت می کرد و نهایتاً در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ توسط عناصر منافق و امریکائی در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی در کنار سالار شهیدان انقلاب اسلامی ( شهیدبهبشتی) و ۲۲ تن از یاران انقلاب به فیض شهادت نائل آمد. کتاب «آن سوسی اتهام» خاطرات عباس امیرانظام است که توسط نشر نسی با اجازه و همراهی وزارت ارشاد دولت اصلاح‌طلب به چاپ ششم رسید. نقد کتاب توسط جمالی‌فر به ناشر کتاب ارسال شد.ناشر برخلاف قولی که داده بود، حاضر به چاپ آن نشده، زیرا او طرفدار نهضت آزادی و از دوستان عباس امیرانظام، یهودی نوسنی بود. هم از این روی بود که به انتشار جداگانه این نقد در قالب اثری که در معرفی آن سخن می‌رود اقدام شد. امید آنکه تاریخ پژوهان انقلاب را مفید آید.

پس از نهی رهبری از قمه زنی، پدرم به ما فرمود: متفرق نشوید، قمه زنی فی حدنفسه حلال است، ولی وقتی مجتهد عادل حکم منع کند، میتواند حرام شود... به هر حال در چنین مسئله‌ای که رهبر معظم انقلاب موضع گیری کرده بودند، اظهار نظری از این انقلابی‌تر و هماهنگ تر کجا می توان پیدا کرد؟



آیت‌الله العظمی سید محمد شاهرودی در آغازین سالان مهاجرت به شهر قم

**آیت‌الله خامنه‌ای در گفت و گو با آیت‌الله شاهرودی، خوب به میدان بحث آمد و این برای پدرم چشمگیر بود. ایشان از این بحث و این طور به میدان آمدن رهبر انقلاب خوشحال شده بودند. جلسه پایان یافت. پس از آن، پدر با توجه به مباحث مطرح شده به خصیصین بیت می‌فرمایند: ایشان مبانی را در دست می‌فرمایند: مبانی ساده و خودمانی می‌فرمایند: «مبانی دستشه»، که این سخن گواهی زببایی بر مقام علمی و فقهاتی رهبر عزیز انقلاب اسلامی است**

**خاطراتی از روابط و مناسبات آیت‌الله العظمی سید محمد شاهرودی با رهبر معظم انقلاب**

# می‌فرمود رهبری مبانی فقهی را در دست دارند

■ **بازدید رهبری در پی دیدار سال ۸۹ در قم**

تکات مطروحه در محفل بازدید رهبر انقلاب از آیت‌الله العظمی شاهرودی در پی دیدار سال ۸۹ در قم نیز، از اهمیت و جذابیتی ویژه برخوردار است. آیت‌الله سید عبدالهادی شاهرودی در این باره می‌گوید: «بعد از گذشت مدتی از رهبری به تهران، مجدداً طرف منزل به بنده رنگ زند که: مقام معظم رهبری دارد به دیدن آیت‌الله العظمی شاهرودی می‌آیند. دفتر قم با خود بیت تنظیم کرده بود. شب جمعه بود که به منزل پدرم رفتیم و گفتند: آقا بعد از نماز مغرب و عشاء می‌آیند. بعد از خواندن نماز و گذشت مدتی، آیت‌الله خامنه‌ای آمدند و بنده به استقبال ایشان رفتم و پدرم چند قدمی جهت استقبال آمدند و با ایشان معافه و احوالپرسی کردند. البته قبل از آن آقای مروی و محمدی گلبایگانی تشریف آوردند. در آغاز، رهبر معظم انقلاب از مرجع فقید شیعه مرحوم آیت‌الله العظمی حاج سید محمود شاهرودی یادی کرده و فرمودند: در زمان حیات آیت‌الله العظمی بروجردی( مرجع عام شیعه)، من در سنین جوانی به تبع خصیصین علمای خراسان منبر بر اعلمت ایشان شاهرودی، از ایشان تقلید می‌کردم! آیت‌الله العظمی شاهرودی و مقام معظم رهبری در دو مسئله با هم به گفت‌وگو پرداختند: اولین مسئله این بود که پدرم به آیت‌الله خامنه‌ای فرمودند: شما به دولت دولتی‌ها بگوید که از احکام ثانویه کمتر و بیشتر از احکام اولیه استفاده کنند، و رهبر انقلاب فرموده بود: احکام ثانویه هم حکم الله است. ولی پدرم به ایشان گفتند: نه به این وسعت، زیاد نباید گستره بشود و حد و حدودی دارد. مسئله دوم در رابطه با بعضی از مسائل حج، از جمله مواقف آن بود. اجمالش این است که در آن بحث آیت‌الله خامنه‌ای خوب به میان بحث آمد و این برای پدرم چشمگیر بود. از این بحث و این طور به میدان آمدن رهبر انقلاب خوشحال شده بودند. جلسه پایان یافت. پس از آن، آیت‌الله العظمی شاهرودی با توجه به مباحث مطرح شده به خصیصین بیت می‌فرمایند: ایشان مبانی را در دست دارند... البته به زبان ساده و خودمانی می‌فرمایند: مبانی دستشه، که این سخن گواهی زببایی بر مقام علمی و فقهاتی رهبر عزیز انقلاب اسلامی است.»

■ **دیدار با رهبری در سفر سال ۸۹ به قم**

فرزند آیت‌الله العظمی سید محمد شاهرودی در ب سخن دیگری از خاطرات خویش، به دیدار پدر با رهبری پس از سفر سال ۱۳۸۹ به قم اشاره کرده، به دست آقا‌میتم (پسرشان) بدهید. دادستان دیگری را از مادر بزرگم برای مقام معظم رهبری نقل کردم که: مرحوم آقای شاهرودی هنگامی که در دوره آخوند خراسانی و زمان مظفرالدین شاه از مشهد به نجف آمدند و به رسم علمای قدیم مشهد که در معمم می‌شدند، مرحوم آقا بدون عمامه به درس آخوند رفتند. طلبه‌ها که در درس می‌گذاشتند، چشم‌شان که به آقا افتاد، گفتند: خیال کرده اینجا مجلس روضه است!آنها، تمام شد، همه رفتند اشکال کنند و مرحوم آقای شاهرودی به آخوند اشکال کرد و ایشان دید که یک اشکال اساسی درستی است. بعد به ایشان گفت: مگر شما طلبه اید؟ گفتند: بله. بعدا به دستور آخوند ایشان را معمم کردند. در این هنگام آیت‌الله خامنه‌ای رو به اعضای دفتر خودشان کردند و گفتند: این داستان جالبی



۱۳۸۹. دیدار رهبر معظم انقلاب با آیت‌الله العظمی سید محمد شاهرودی در قم

## مخاربخ

گفت‌وگو: ۸۸۴۹۸۲۷

دوشنبه ۲۴ تیر ۱۳۹۸ | ۱۲ ذی‌العده ۱۴۴۰ |

است و جوری باید ثبت شود.

بحث علوم انسانی، عقده‌ای برای بنده شده بود و می‌خواستم در این باره از آقا کمک بگیرم. به ایشان گفتم: در قم شش مرکز درباره علوم انسانی کار می‌کنند ولی هیچ کدامشان با هم مرتبط نیستند و جزیره‌ای کار می‌کنند. ایشان پرسیدند: این شش تا مرکز را معرفی کن؟ که بنده از قبل، اسامی آنها را داخل برگه‌ای نوشته بودم و آن برگه را خدمت ایشان دادم. ایشان که برگه را نگاه کردند و گفتند: حقیقت این است که در کار حوزه نمی‌خواهم دخالت کنم و خود مسئولان حوزه باید دخالت کنند... دیدم که حرف درست و سنجیده‌ای بود. بعد به ایشان گفتم: مثلاً فلسفه در غرب بود و مسلمانان آن را آوردند ومثل موم در دست‌شان نرم کردند، الان علوم انسانی در غرب است و باید حوزه بیاید و مانند فلسفه با آن رفتار و آن را پالایش کند. مقام معظم رهبری به بنده گفتند: این حرف خیلی حرف درست و اساسی است. در ادامه ایشان گفتند: فلسفه ارسطو که آمد، در دست مسلمانان، فلسفه ابوعلی سینا خیلی غنی‌تر از فلسفه ارسطو بود و الان هم حوزه باید مباحث نوظهور علوم انسانی را، خود حلاجی و نقد و بررسی کند.

در موقع خداحافظی، بچه‌های بیت طرف آقا آمدند. یکی انگشتر ایشان را گرفت و بچه‌های مرحوم آیت‌الله طاهری امام جمعه فقید شاهرود - که دایی اعضای بیت است- چفیه آقا را گرفتند. در این میان بنده هم میز مخصوصی را که از طرف سیپا آورده بودند گرفتم، چون دیدم سرم داشت بی‌کلاه می‌ماند! پدرم بلند شدند تا آقا را بدرقه کنند، اما آقا نگذاشتند که پدرم بیش از این راه بیایند و بدرقه کنند. با این حال بنده تا دم در ماشین آقا خدمت‌شان رفتم و دست‌شان را بوسیدم و خداحافظی کردم که این لحظه از بهترین لحظات زندگی بنده محسوب می‌شد.»

■ **بارتساب اظهار نظر پدر درباره مکانت علمی رهبری در جمع اعضای مجلس خبرگان**

راوی در ادامه خاطرات، روزی را به خاطر می‌آورد که کلام پدر درباره مکانت علمی رهبری را در جمع برخی از اعضای مجلس خبرگان بیان داشته و بازتاب‌های جالبی را در این باره دیده است. آیت‌الله شاهرودی با توضیحی بییشتر می‌گوید: «در جلسه‌ای با حضور جمعی از اعضای مجلس خبرگان بعد از ملاقات با مقام معظم رهبری و سخنرانی ایشان در جمع اعضای این مجلس بعد از اجلاس، عبارات آیت‌الله العظمی شاهرودی درباره آقا را که فرموده بودند: مبانی در دست ایشان است، و در محضر اعضای خبریه مطرح کردم. آیت‌الله طباطبایی امام جمعه اصفهان و نماینده این استان در مجلس خبرگان به شیوه زببایی همراه با شوخی و شگفتی، با صدای رسا و طبیعی خود اظهار کرد: این حرف خیلی مهمی است چون علمای نجف به این زودی به اعلمیت کسی اعتراف نمی‌کنند.»

■ **واکش آیت‌الله العظمی شاهرودی به نهی رهبری از قمه زنی**

از جمله وقایعی که منظر آیت‌الله العظمی سید محمد شاهرودی به جایگاه رهبری و حکم حکومتی را نشان می‌دهد، واکنش ایشان نهی رهبری از قمه زنی در عزاداری‌های محرم است. آیت‌الله سید عبدالهادی شاهرودی در این باره چنین نقل کرده است:

«هنگامی که رهبر معظم انقلاب طی سخنرانی مفصلی در خرم آباد از قمه زنی در محرم انتقاد کردند و دولت مصمم به جلوگیری از این مسئله شد، بیشرترین مشکل در قم برای آیت‌الله العظمی شاهرودی به وجود آمد، چراکه دو گروه عمده قمه زن‌ها از جمله نجفی‌ها، در قم بودند و روحانی بزرگ و امام جماعت ایشان آیت‌الله العظمی شاهرودی بود. این دو در مرکز حسینیّه نجفی‌ها و مسجد امام (رضاع) مستقر بودند که هر دو گروه وابسته به ایشان و جمعیت آن از مامومین ایشان در دو محل یاد شده بوده‌اند. با اعلام منع قمه زنی، مرتباً قمه زن‌ها هر دو هیئت به ایشان مراجعه و استفسار می‌کردند. کسانی که عمر خود را با تقدیس این عمل گذرانده بودند و اکنون با این مسئله مواجه شده‌اند، با وضیعت و فرهنگ خاصی با مسئله برخورد می‌کردند و در این باره از ایشان استفسار می‌نمودند. با توجه به اینکه ایشان نیز عمر خود را در نجف با قمه زنان پرسابقه و نیز در قم در کنار قمه زن‌ها گذرانیده‌اند، در شرایط خاصی قرار گرفته بودند. با این‌همه در برخورد با این مسئله، از بعد شرعی و احکام الهی بر خود کرده‌ام می‌فرمودند: قمه زنی فی حد نفسه خوب است، ولی اگر مجتهد عادل حکم کند، حرام خواهد شد و حکم او نافذ است... در نتیجه در آن سال، احدی از اعضای دو هیئت عزاداری نجفی‌ها، اقدام به قمه زنی نکردند. در جلسه‌ای بنده در منزل پدرم با برادران در این زمینه پرداختیم که پدرم بعد از خواندن نماز، به ما فرزندانش فرمود: متفرق نشوید، قمه زنی فی حدنفسه حلال و خوب است، ولی وقتی مجتهد عادل حکم منع کند، می‌تواند حرام شود... به هر حال در چنین مسئله‌ای که رهبر معظم انقلاب موضع گیری کرده بودند، اظهار نظری از این انقلابی‌تر و هماهنگ‌تر کجا می‌توان پیدا کرد؟»